نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و چهارم – شماره ۹۹۴

سه شنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۰ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

جنگ از دولت‌ها و مردن از ملت‌ها

روی نقطه عطف تاریخ ایستاده‌ایم!

ص ۸



جهانی انسانی؛ با رفع تبعیض جنسیتی و برابری مرد و زن

بزرگداشت روز جهانی زن

با آثاری از:

فریبا بوذرجمهری
سحر زنده بودی
الهام میلکی
زیبا هوشیار
فرشته شریفی
گالیا توانگر
مرضیه بهرامی
الهه منصوری
دکتر زهره عالی‌نسب
معصومه خرّم
کی ناز کوهی
مائده قیم
مژده مواجی

نگاهی به حس و حال دنیای زنانه در زمانه قحطی عشق

ص ۴

اتفاق عجیب جاده‌ای در بوشهر

۷۵ درصد دوربین‌های ثبت تخلف تخریب شدند
معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان بوشهر گفت: از مجموع ۶۰ دوربین جاده‌ای در استان بوشهر ۴۵ دوربین هرکدام به ارزش ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان تخریب شده که با توجه به تاثیر این دوربین‌ها در کاهش سوانح انتظار است در نگهداری از آنها اهتمام جدی‌تری شود.

با افرادی که به دوربین‌ها آسیب زده‌اند برخورد جدی خواهد شد به طوری که تا ۵ سال زندان هم در نظر گرفته شده است./فارس

شناسایی ۵۳ مورد تصرف سواحل حریم ۶۰ متری دریا در استان بوشهر

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر از شناسایی تصرف سواحل خبر داد و اظهار داشت: با بررسی‌های انجام شده ۵۳ مورد تصرف سواحل حریم ۶۰ متری دریا در استان بوشهر شناسایی و به دادستان بوشهر اعلام شده است.

غلامرضا منتظری، متولی حفاظت از حریم ۶۰ متری سواحل را دستگاه‌های مختلف دانست.

تقاطع شهید سلیمانی بوشهر مهر ۱۴۰۱ بهره‌برداری می‌شود

شهردار بوشهر گفت: روند ساخت تقاطع شهید سلیمانی با انتخاب پیمانکار جدید سرعت گرفته و مهر ۱۴۰۱ به بهره‌برداری خواهد رسید.

حسین حیدری ظهر اظهار کرد: درحال حاضراولویت شهرداری بوشهر تکمیل پروژه‌های نیمه تمام و راکد است و نباید پروژه جدیدی را آغاز نخواهیم کرد.

وی با اشاره به چهاردهمین هفته نکوداشت روز بوشهر در ۱۸ اسفند تصریح کرد: در این هفته برنامه‌های مختلف در زمینه فرهنگی، هنری، اجتماعی و ورزشی برگزار، ۲ چهره ماندگار، یک شهروند افتخاری معرفی خواهند شد و برای اولین بار معرفی شهید شاخص را در هفته بوشهر معرفی خواهیم کرد.

شهردار بوشهر در خصوص تقاطع شهید سلیمانی عنوان کرد: این پروژه، یکی از پروژه‌های کوچک بوده که باید خیلی پیشتر پایان می‌یافت و اکنون با انتخاب پیمانکار جدید روند ساخت آن سرعت گرفته و مهر ۱۴۰۱ به بهره‌برداری خواهد رسید.

حداقل ۸میلیون گردشگر و مسافر وارد استان بوشهر می‌شود

سردار احمد محمدی‌زاده جمعیت استان را یک میلیون و ۲۶۰ هزار نفر و با جمعیت مهاجر ۱،۴ میلیون نفر دانست و اظهار داشت: فصل کار در استان بوشهر در عرصه‌های مختلف کشاورزی، تولیدی، ساخت و ساز حداقل ۱۰۰ هزار نفر به جمعیت استان می‌افزاید و پیش‌بینی می‌شود جمعیت این استان به ۱،۵ میلیون نفر برسد.

وی از ورود گردشگران به استان بوشهر خبر داد و بیان کرد: تا ۴۰ روز آینده حداقل ۸ میلیون گردشگر و مسافر به استان بوشهر وارد می‌شود و با توجه به رفع محدودیت گردشگری در ایام تعطیلات در راستای کاهشی شدن ابتلا به کرونا پیش‌بینی می‌شود روزانه ۲۰۰ هزار نفر وارد استان بوشهر شوند.

محمدی‌زاده با بیان اینکه باید نگاه ذخیره‌سازی کالا برای جمعیت ۱،۷ میلیون نفری باشد تأکید کرد: باید در تهیه و تأمین کالا و محصولات مورد نیاز مردم هیچ نگرانی وجود نداشته باشد.

آلودگی نفتی در ساحل بوشهر پیگیری قضایی می‌شود

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر از آلودگی نفتی ساحل بوشهر خبر داد و گفت: در این راستا خسارت وارد به تنوع زیستی دریا و ساحل محاسبه و علیه آلوده کنندگان پیگیری قضایی می‌شود.

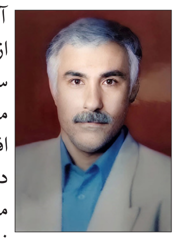
وی با بیان اینکه لکه‌های نفتی در اطراف جزیره خارگ بهمن ماه امسال مشاهده شد تصریح کرد: با مشاهده آلودگی نفتی تیم‌های عملیاتی بلافاصله به منطقه برای مهار آلودگی اعزام شدند.

وی لکه نفتی یاد شده در اطراف جزیره خارگ را به وسعت ۱۵ کیلومتر مربع دانست.

وی آلودگی نفتی مشاهده شده در ساحل شهر بوشهر را ناشی از حرکت لکه‌های نفتی از آلودگی اطراف جزیره خارگ دانست و خاطر نشان کرد: این آلودگی نفتی در سواحل شنی شهر بوشهر پراکنده شده که عملیات جمع‌آوری و پاکسازی آن از سوی شهرداری و اداره کل بنادر و دریانوردی بوشهر در حال انجام است.

کمبود دارویی ویژه بیماران خاص در بوشهر

علیرضا حمزه ئیان



آزادسازی نرخ ارز بسیاری از داروها، به دلیل کاهش سقف ارز ترجیحی مصوب مورد نیاز دارو و به تبع آن افزایش قیمت سرسام آور داروها و کالاهای پزشکی، موجب ایجاد مشکلات مالی زیادی برای بیماران گردیده است که در این مورد خاص به دارویی ویژه بیماران خاص کلیوی اشاره خواهیم کرد که بطور دائم نیاز به انجام دیالیز در مراکز مختلف درمانی استان بوشهر دارند.

یکی از مهمترین داروهایی که برای حفظ سلامتی بیماران دیالیزی حیاتی بوده، محلول «ترولاک» می باشد که بطور خلاصه با کنترل و مهارعفونت ناشی از باکتری ها، قارچ ها و ویروس ها از انتهای کاتتر (قسمت بیرون از بدن) به داخل کاتتر و سپس جریان خون، مانع ایجاد لخته و عفونت در داخل کاتتر شده و از عفونت خونی که درمان آن شامل بستری شدن در بیمارستان، آنتی بیوتیک تراپی وسیع الطیف و تعویض کاتتر بوسیله جراحی مجدد می باشد، جلوگیری می نماید.

علیرغم اهمیت بالای این دارو در حفظ سلامتی و درمان این دسته از بیماران و نیز نیاز دائمی آنها در هر بار انجام فرایند دیالیز به این دارو، بدلیل عدم تخصیص ارز ترجیحی قیمت آن با بیش از ۳۰۰درصد افزایش، از حدود ۸۰ هزارتومان به بیش از ۳۶۰ هزارتومان تغییر کرده که این افزایش قیمت برای یک بیمار دیالیزی عادی می تواند هر هفته بیش از یک میلیون تومان هزینه ایجاد کند.

تهیه این دارو در گذشته نیز به دلیل وجود کمبودها و قیمت آن برای بسیاری از بیماران بسیار دشوار بوده اما حالا دیگر می توان گفت برای بسیاری از ایشان غیر قابل ابتیاع گردیده است و دیر یا زود عدم استفاده از این دارو، منجر به بروز عوارض غیر قابل جبران برای بیماران دیالیزی خواهد شد.

لازم به ذکر است بروز عفونت ناشی از عدم استفاده از «ترولاک»، بیماران را ناچار به بستری در مراکز درمانی و آنتی بیوتیک تراپی می نماید که این روند نیز علاوه بر عوارض جسمی و روحی متعدد، در شرایط اقتصادی فعلی مجددا هزینه های هنگفتی را برای بیماران ایجاد خواهد کرد.

لذا با توجه اهمیت این دارو در سلامت جسمی و روانی بیماران کلیوی، مسئولین امر میابیست هرچه زودتر ترتیبی اتخاذ کنند تا دسترسی به داروی «ترولاک» برای این بیماران تسهیل و نیز قیمت آن نیز کاهش یابد تا از بروز عوارض عدم استفاده از این دارو که قبلا اشاره شد، جلوگیری شود.

همچنین لازم است تیمی از متخصصین وزارت بهداشت هرچه سریعتر موارد مشابه را برای سایر بیماران خاص نیز شناسایی کنند و با تخصیص ارز ترجیحی و یا هر راهکار قانونی دیگری که امکانپذیر باشد نسبت به تامین داروهای مورد نیاز این بیماران با قیمت مناسب اقدام نمایند، زیرا عدم توانایی بیماران خاص در خرید داروهای مورد نیازشان می تواند به سرعت به قیمت جانشان تمام شود.

تعداد زنان سرپرست خانوار در استان بوشهر

مدیر کل کمیته امداد استان بوشهر گفت: در زمان حاضر هفت درصد جمعیت استان بوشهر معادل ۹۹ هزار نفر در قالب ۴۸ هزار خانوار زیر پوشش خدمات کمیته امداد قرار دارند که از این جمعیت ۲۳ هزار خانوار زن سرپرست هستند.

آرامش در حضور دیگران با هفته فیلم وعکس بوشهر

جمیل رزمی: هجدهمین هفته فیلم و عکس انجمن سینمای جوانان استان بوشهر در حالی برگزار شد که اکثر نهادهای فرهنگی شهر در خوابی زمستانی فرو رفته اند.

اولین روز از هفته فیلم و عکس بوشهر با حضور جمع کثیری از اهالی هنر و با همراهی عزیزان معلول جسمی حرکتی و ناشنوایان بوشهر از فیلم «وقتی باد هم شنید» به کارگردانی احسان احمدزاده در سینما روباز داریوش غریب زاده در محل انجمن سینمای جوان بوشهر رونمایی شد. در این مراسم دکتر حاجیونی مدیرکل بهزیستی استان ضمن تشکر از عوامل و دست اندرکاران فیلم، هنرمندان را قشری فرهیخته خواندند و اضافه کرد: ای کاش می توانستیم بیشتر از هنر و هنرمندان حمایت کنیم تا در تولید محتوای فاخر از طریق فیلم پیام های اجتماعی را به اشتراک بگذاریم.

عبدالرحمن برزگر مدیر انجمن سینمای جوانان استان بوشهر طی سخنان کوتاهی با ابراز خوشحالی از اکران این فیلم گفت: کارگردان به خوبی توانسته با هدف قراردادن مشکلات معلولین در جامعه برای آن نیز راهکاری مناسب معرفی نماید. وی هنرمندان را هویت بخش و متعادل کننده جامعه دانست و افزود همه می بایست مسئولیت اجتماعی خود را به خوبی اجرا کنند.



در ادامه برنامه احسان احمد زاده با برشمردن بخشی از مشکلات در راه تولید این فیلم ، این شب را یکی از بهترین شب های کارنامه سینمایی خود عنوان کرد و از عوامل فیلم قدر دانی نمود.

در پایان مراسم از طرف اداره کل بهزیستی به رسم یادبود لوح تقدیر به عوامل فیلم اهدا و پوستر فیلم توسط مدعوین امضاء شد. گفتنی است آرش شبانکاره مجری توانمند وخوش ذوق صدا و سیما اجرای مراسم افتتاحیه را برعهده داشت.

در دومین شب هفته فیلم و عکس بوشهر ۳۵ فیلم هشت میلیمتری بازمانده از سینمای آزاد و انجمن سینمای جوان بوشهر متعلق به دهه های ۶۰، ۵۰، ۴۰ که به دیجیتال تبدیل شده بود اکران شد. عبدالرحمن برزگر مدیر انجمن سینمای جوانان استان بوشهر در شب خاطره انگیز سینمای نوستالژی بوشهر ابراز امیدواری کرد که با رایزنی های انجام شده که با فیلم خانه ایران با همراهی علی هادی پناه مدیر سایت فیدان به صورت رایگان و با صرف هزینه نیز در بخش خصوصی مابقی فیلم ها به دیجیتال شوند. برزگر از حضور پیشکسوتان عرصه سینما به ویژه خانواده زنده یاد جواد تلیان تشکر نمود و گفت اکنون ما میراث داران و امانتداران فرهنگ و هنر بوشهر هستیم و بر خود می بالیم که در سایه سار فرهنگ و هنر و پیشگامان بوشهر نفس می کشیم.

افتتاح نمایشگاه عکس، وتقدیر از مدرسان سید محمد فاطمی، جلیل گلستانیان و علی نصوری و هنرجویان برگزیده عکاسی در سکانس این شب خاطره انگیز رقم خورد که با سخنان کوتاهی از جلیل گلستانیان پایان یافت، این پلان ازبرنامه با استقبال حاضرین روبرو گردید.

در ادامه و در سکانس دوم، اکران فیلم دوربین گلی به کارگردانی زنده یاد علی غلامی، تله به کارگردانی سید حسین صافی، جلب به کارگردانی خانم کرمی و می خواهم ماهی بگیرم به کارگردانی حسین دهقانی سکانس جذاب دومین شب از هجدهمین هفته فیلم و عکس بوشهر بود.

سکانس سوم از تولید فرهنگ و هنر، داریوش غریب زاده با ابراز خوشحالی از برگزاری چنین برنامه ای عنوان داشت: «باید قدر این عزیزان را دانست و در انتقال تجربه نسل آغازین سینما کوشش نماییم». همچنین حشمت غضنفر و بهرام سعادت مهر از نسل



دوم سینمای آزاد نیز به نقل خاطرات پرداختند. در پایان بندی شب سینمایی حسین دهقانی، خورشید فقیه و احمد آرام از بنیانگذاران سینمای آزاد بوشهر، نحوه شکل گیری و تولید فیلم کوتاه مباحثی را مطرح کردند که مثل دوران جوانی خوش درخشیدند.

اکران فیلم پرتره احمد آرام، پخش ویدئویی از آرشیو عکس های زنده یاد جواد تلیان، اهدا لوح یادمان به بازیگر فیلم دوربین گلی آقای شاکر و تنی چند از پیشگامان سینمای بوشهر از دیگر برنامه های جنبی این شب نوستالژی بود.

سینما روباز داریوش غریب زاده در سومین شب سینمایی هفته فیلم و عکس بوشهر شاهد اکران شش فیلم از هنرجویان دوره بلند مدت بود. فیلم های «دوما» به کارگردانی مجتبی عیوضی، «دختر» به کارگردانی پری مظفری، «سرپناه» به کارگردانی گوهر منعمی، «سایه» به کارگردانی پدرام درخشان «باز و بسته» به کارگردانی عبدالرحمن صبحانی خواه و «۳۶۰ درجه» به کارگردانی رضا فخرایی با حضور سعید پور اسماعیلی معاون فرهنگی و آموزش انجمن سینمای جوانان ایران به نمایش در آمد.

عبدالرحمن برزگر مدیر انجمن سینمای جوانان استان بوشهر با ابراز خوشحالی از اینکه فیلم های پایان دوره با موفقیت تولید و امشب اکران می شود، افزود فیلم کوتاه نیاز به حمایت همه جانبه دارد تا در یک فرآیند منطقی در باز تولید فرهنگی نقش مهم خود را ایفا



کند.

در پایان شب سینمایی از مدرسان دوره مسعود نجف پور، سعید تنگستانی، مهدی انصاری، علی طباطبایی، علی کارگر، رضا حسین پور، بابک منصوریان و از کارگردان هانیز تقدیر بعمل آمد.

حاشیه مراسم

* هیچ یک ازمسئولین فرهنگی استان علی رغم دعوت درمراسم حضور نیافتند
* تقدیر ازبنیان گذاران اولیه سینمای آزاد بوشهر خورشید فقیه، استاد حسین دهقانی، و استاد احمد آرام ازجمله برنامه های بسیار شایسته این مراسم بود.
* با ذکر یادی از اصغر وجدان توسط بانیان اولیه سینمای آزاد بوشهرازتلاش های او در گسترش هنر سینما و عکاسی تقدیرشد.
* این مراسم باوجود رعایت استاندارد های لازم از سادگی خاصی برخوردار بود.
* حضور هنرمندان سینماگر و عکاس از اهرم و برازجان مسافت چشمگیر بود.
* برپایی نمایشگاه عکس در محوطه سینما روباز با استقبال عکاسان و هنردوستان مواجه شد .

زندگی آگاهانه

حفظ انگیزه در کار و زندگی

حسین زیرراهی –مدرس مهارتهای توسعه فردی



انگیزه به زبان ساده یعنی تمایل به انجام کار. همه می‌خواهند این تمایل را داشته باشند ولی موفق نمی‌شوند. به راستی چرا گاهی انگیزه و اشتیاق برای انجام کارهایمان داریم ولی گاهی نداریم.

می‌توان گفت بیشترین مشکل ما در برداشتی است که از انگیزه داریم. تقریبا اغلب آدمها، به جز آنهایی که در مورد انگیزه آموزش دیده‌اند، فکر می‌کنند باید یک عاملی در دنیای بیرون انگیزه را در آنها ایجاد کند. همین برداشت هم باعث شده است که حجم عظیمی از کتاب، فیلم، آموزش و سخنرانی انگیزشی در چند دهه اخیر تولید شود و کماکان هم می‌شود. در ادبیات روانشناسی به این نوع انگیزه، انگیزه بیرونی گفته می‌شود. داستان موفقیت دیگران را در یک کتاب، فیلم یا سخنرانی انگیزشی می‌شنویم انگیزه‌مان بالا می‌رود ولی زود از بین می‌رود. مثلا کسی که در یک سخنرانی انگیزشی شرکت می‌کند آن روز کاملا شارژ است. در روزهای بعد از انگیزه ایجاد شده کاسته می‌شود و تا پایان هفته دیگر چیزی از آن نمانده است.

ما بصورت طبیعی هم در طول روز زمانهایی انگیزه بیشتری داریم. وقتی خبر خوبی می‌شنویم، کارهایمان به نتیجه می‌رسد، پاداش یا هدیه ای از دیگران می گیریم، وقتی هوا خوب است، در طبیعت و مکانهای خوش آب و هوا هستیم، وقتی با آدمهایی که دوست داریم همنشین هستیم انگیزه بالاتری داریم. برعکس آن هم وجود دارد. وقتی بیمار هستیم و حالمان خوب نیست، وقتی شرایط زندگی سخت می‌شود یا کارهایمان به نتیجه نمی‌رسد، وقتی در کنار یک آدم منفی‌بین هستیم که مدام غر می‌زند سطح انگیزه ما پایین می‌آید. البته اینها عوامل بیرونی است که خیلی در کنترل ما نیست. ولی حتی خودمان نیز می‌توانیم باعث کاهش انگیزه‌مان شویم. مثلا وقتی خود را با دیگران مقایسه می‌کنیم. ما معمولا خود را با کسانی مقایسه می‌کنیم که از ما عملکرد بهتری دارند. مثلا همکلاسی‌ای که نمرات بهتری می گیرد یا همسایه‌ای که رفاه بیشتری دارد. وقتی اهداف غیر معقول و دور از دسترس برای خود تعیین می‌کنیم و مدام توجه‌مان به آن هدف است هم انگیزه‌مان پایین می‌آید. چون نمی‌توانیم به آنچه هدفگذاری کرده‌ایم برسیم یا از آن عقب هستیم. توجه به نتایج هم انگیزه‌کش است. مثلا کسی که دارد مهارتی مثل نواختن یک ساز موسیقی را یاد می‌گیرد، اگر بجای توجه به رشد خود به نتایج توجه کند ناامید می‌شود. چون همچنان نمی‌تواند مانند یک نوازنده چیره دست بنوازد.

خب حالا چه کار کنیم که بتوانیم بصورت ارادی انگیزه‌مان را بالا ببریم؟ شاید مهمترین نکته در ایجاد انگیزه این است که انگیزه بعد از اقدام می‌آید نه قبل از آن. مثلا شما منتظرید انگیزه داشته باشید تا کار خود را شروع کنید. ممکن است هیچوقت نیاید. ولی وقتی دست به اقدام می‌زنید و شروع می‌کنید انگیزه در شما ایجاد می‌شود. می‌توان گفت انگیزه به حرکت وابسته است. نکته دوم توجه به رشد و ارزشها به جای نتایج و اهداف است. اگر کاری نتیجه نداد ببینید آیا رشدی داشته‌اید؟ یا طبق ارزشهایتان بوده است؟ نکته آخر هم کوچک کردن کارها است. اهداف بزرگ باید به کارهای کوچک و قابل انجام خرد شود تا انگیزه انجام آن در شما ایجاد شود.

نه به خشونت بر علیه زنان

فریبا بوذرجمهری



خشونت علیه زنان به هر فعالیتی که منجر به آسیب جسمی، جنسی، روحی، روانی و رنج زنان و دختران شود، چه در مکان‌های عمومی (اجتماع) و چه در مکان‌های خصوصی (در خانه پدر، شوهر) رخ دهد، اشاره می کند. این خشونت می‌تواند با تهدید، اجبار یا سلب اختیار و آزادی، به صورت پنهان یا آشکار انجام شود.

میلیون‌ها زن و دختر در سراسر دنیا امروزه با پدیده خشونت آن هم به تنهایی و سکوت همیشگی به خاطر جنسیت خود مواجه هستند.

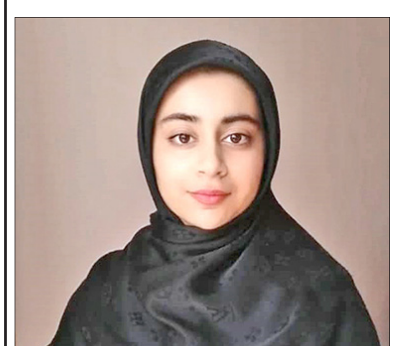
خشونت علیه زنان و دختران هیچ مرز مشخصی نداشته و همه نژادها، فرهنگ‌ها و تمام افراد با سطوح مختلف اقتصادی را در بر می گیرد.

در کشورهای مختلف به خصوص کشور ما، زنان و دخترانی هستند که مورد انواع خشونت و تجاوز قرار می گیرند و به دلیل حفظ آبرو، خجالت، ترس از قضاوت مردم و... سالیان سال سکوت می کنند و سعی در فراموش کردن همه آن چه که برایشان اتفاق افتاده، دارند، که شاید این کار یکی از تلخ‌ترین سکوت‌های دنیا است.

از زنان و دختران سرزمینم می خواهم در درجه اول شجاعانه به بیان خشونت‌های اعمال شده علیه خود بپردازند و پیگیر احقاق حقوق خود شوند، زیرا با مُهر خاموشی بر لبان خود زدن، فقط باعث جری‌تر شدن مردان و باز تولید خشونت می‌شوند.

تصور غلط ضعیف بودن زن

سحر زنده بودی



جامعه ما پر شده از فرهنگ های اشتباهی که کاملا جا افتاده اند و اکثر این فرهنگ ها زن ها را مورد اتهام قرار می‌دهند.

تصور این که زنان سرزمین مان ضعیف هستند کاملا غلط است! یک زن می‌تواند قوی روی پای خودش بایستد و مصمم اهدافش را در پیش بگیرد.

متاسفانه این یکی از تصورات اشتباهی است که کاملا عادی به نظر می آید و خوشبختانه زنان و دختران جامعه ما به گونه ای عمل کرده اند که قطعا در آینده ای نه چندان دور می‌توانند با سیر این موفقیت ها این تصورات غلط را بر اندازند.

زنان و دختران امروزی درگیر فرهنگ ها و واژه های مهجور و قدیمی نیستند و با تمام وجود اهدافشان را دنبال می کنند.

باید عذرخواهی شود از زنانی که با واژه زیبا یاد شدند پیش از این که باهوش یا شجاع خطاب بگیرند، امروزه طوری رفتار شده که گویی زنان و دختران با چیزی که با آن به دنیا آمده اند مهم ترین چیزی هست که می‌توان به آن افتخار کرد! در صورتی که این چنین نیست و دختران و زنان سرزمین مان جسورانه ایستاده و برای آرزو هایشان می جنگند.

هجمه‌های آشکار و پنهان به زنان پس از طلاق

الهام میلکی

«جامعه تا چه میزان چتر حمایت خود را بر سر زنان مطلقه می گستراند و از آنان در برابر هجمه گزند ها محافظت می کند»

وقتی که می خواستم به مناسبت روز جهانی زن، که مصادف با ۸ مارس است، یادداشتی برای هفته نامه نسیم جنوب بنویسم، نمی دانستم از کدامین چالش که زنان سرزمینم با آن مواجه هستند، بنویسم. هرلحظه ذهنم به سرزمینی از چالش هایی که بانوان دیارم با آن دست و پنجه نرم می کنند، سیر می کرد. اصولاً هدف این نامگذاری ها چیست؟ دستاورد آنها چیست؟ یا این که آزادی بیان وعلم من به چه میزان است؟ آیا به واقع من چقدر از این چالش ها آگاهی دارم؟ همین قدر می دانم که اگر پای صحبت هر زن ایرانی بنشینید ممکن است هر کدام، دلواپسی ها، توقعات به جا و مطالباتی داشته باشند که نه جامعه به آنها گوش سپرده و نه حتی نزدیکان آنها. اکثر آنها دغدغه‌ها و خواست‌های برحق خود را فرو می خورند، چرا که جامعه و نزدیکان آنها پاسخگوی آنها نیستند.



مطالبات و چالش ها در حوزه زنان در جامعه ایران کم نیستند. ولی نمی‌دانم چرا دائم ذهنم به سمت چالش هایی می‌رود که زنان مطلقه جامعه با آن روبرو هستند.

در سال‌های اخیر افزایش روز افزون طلاق برای خانواده‌ها و جامعه مشکلات زیادی ایجاد کرده است. طلاق یکی از بحرانی ترین رویدادها در زندگی زنان است. یک فرایند پیچیده که با پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت روانشناختی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همراه است. پدیده طلاق با یک سرعت نگران کننده ای در حال افزایش است. این افزایش سرعت تنها مختص کشورهای توسعه یافته نیست، بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز به سرعت رو به افزایش است؛ کشور ما هم متاسفانه از این امر مستثنی نیست.

طبق پژوهشها، زنان با چالش های شدیدی بعد از طلاق روبه رو می شوند. در شرایط پر استرس زنان نسبت به مردان هیجان های منفی تری را تجربه می کنند.

واقعا چه تدابیر و یا سیاست گذاری هایی در این حوزه در جامعه ما صورت گرفته، که زنان مطلقه کمتر دچار آسیب شوند و با شرایط بعد از طلاق بهتر سازگار شوند و بتوانند به عنوان نیروی فعال و با نشاط در جامعه حضور داشته باشند.

متاسفانه در جامعه ما زندگی زنان مطلقه با ابهامات و مخاطراتی روبرو است، مثل سرپرستی فرزندان به تنهایی، مشکلات اقتصادی، زندگی در تنهایی و همراه با ناامیدی. همینطور نگرش غلط جامعه نسبت به زنان مطلقه، زنان را در رابطه اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده‌ای روبرو می کند. واقعاً طلاق برای زنان چه پیامدهایی دارد؟

پیامدهای طلاق در ابعاد فرهنگی و اجتماعی، زندگی زنان را دستخوش چالش می کند. این پیامدها می‌تواند شامل از دست دادن حمایت های اجتماعی، کاهش و کوچک شدگی روابط اجتماعی، نگرش اخلاقی منفی جامعه، برچسب های اجتماعی باشد.

زنان مطلقه از گزند طعنه ونگاه‌های کنجکاوانه اطرافیان در امان نیستند. مضموم بودن طلاق در جامعه، منجر به تنگی روابط اجتماعی زن مطلقه می‌شود و بدین ترتیب ارزش های حاکم بر جامعه بیش از خصوصیات فردی، بر مشکلات زنان مطلقه می افزاید. زنان مطلقه متأسفانه از هجمه آزار و



خشونت های آشکار و پنهان جنسی نیز در امان نیستند و فرصت های ازدواج آنها نیز کاهش می یابد.از جمله علل اجتماعی این وضعیت، وجود فرزندان، سن زن و عدم پذیرش مردان جهت ازدواج با زن مطلقه می باشد. اغلب زنان مطلقه برای ازدواج، مردی که ازدواج نکرده، کمتر به سراغ آنها می رود و در اغلب موارد مردانی که زنان خود را از دست داده اند یا همسر خود را طلاق داده اند، به خواستگاری آنها می آیند، در این شرایط زن مطلقه دیگر نمی تواند آزادانه حق انتخاب داشته باشد و سطح توقعات او از طرف مقابل، بسیار تنزل می کند. طلاق چه پیامدهای عاطفی و روانی برای زنان دارد؟ زنان مطلقه دچار احساس گناه می شوند، هویت آنها ممکن است دچار تشویش شود و طیفی از احساسات منفی از جمله خشم، اندوه، افسردگی، اضطراب، احساس شکست و احساس عدم امنیت را تجربه کنند. همچنین تنش هایی که ناشی از نگرشهای فرهنگی و مذهبی است، آسیب مضاعفی بر روح زنان خواهد بود؛ از سویی در فرهنگ ما، زنان مطلقه، تهدیدی برای روابط و زندگی خانوادگی دوستان و خویشان بوده و این نگاه آنان را منزوی و تنهاتر خواهد ساخت. همچنین قضاوتهای تنگ نظرانه و احساس ناامنی از حضور در جمع، فعالیتهای فرهنگی زنان را کاهش داده و مانع نقش آفرینی زنان در فرآیند توسعه و به حاشیه راندن و استثمار زنان می شود. مشکلات عدیده ای هم در زمینه اقتصادی به عنوان پیامدهای طلاق برای زنان وجود دارد.اغلب زنان پس از طلاق برای تأمین زندگی، عدم وابستگی و حفظ عزت نفس سعی دارند، شغلی انتخاب کنند که با توجه به مهارت پایین تر و عدم سابقه شغلی آنان، از نظر اجتماعی و درآمد، شغل مناسبی نخواهد بود.

من سعی کردم در این چند خط نگاهی گذرا به برخی از مشکلات زنان مطلقه بیندازم که متاسفانه کم هم نیستند. لزوم سازگاری با مسئله طلاق امری اجتناب ناپذیر است که در این راستا، حمایت های همه جانبه ی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی،حقوقی و عاطفی جامعه ، بیش از پیش لازم و ضروری به نظر می رسد، که با این حمایت های همه جانبه و سیاست گذاریهای بنیادی، این گروه از زنان جامعه که با توجه به افزایش شمار طلاق، تعدادشان کم هم نیست به حاشیه رانده نشوند و همواره به عنوان نیروی انسانی فعال و با نشاط، در حوزه زندگی فردی و اجتماعی، حضوری پویا و مثمر ثمر داشته باشند، بتوانند احساس خودکارآمدی و عزت نفس خود را حفظ و همینطور افزایش دهند. هر چقدر تک تک افراد جامعه از سلامت روانی و بهزیستی بیشتری برخوردار باشند به نوبه خود، جامعه هم از نشاط و پویایی بیشتری برخوردار خواهد بود.

زنان، سرمایه های اجتماعی و نیروهای کار آفرین

زیبا هوشیار



بیش از یک قرن هست که مردم سراسر جهان، ۸ مارس را، روز جهانی زن تعیین کرده اند واین روز، یاد آور یک جنبش اجتماعی و سیاسی فراگیر و پایه گزار این روز هست، در این روز، زنان کارگر در شهر نیویورک، برای احقاق حق خود، برای حقوق بیشتر، حق رای و کم شدن ساعات کار، راهپیمایی کردند و نقطه ی عطفی در جنبش زنان در موارد دیگر شد.

در کشور خودمان، دغدغه های زنان بسیار است و کسی به آن توجه نمی کند، هر چند که مواردی مثل، نگرانی از وضعیت نابسامان اقتصادی، سیاسی، ونگرانی از آینده فرزاندانشان و... با مردان مشترک می باشد اما مطالبات و دغدغه های زنان شرحی جدا دارد.

با وجود قوانین دست و پاگیر موجود، حقوق زنان در برابر مردان، برابر نیست و برتری مرد کاملا در قوانین، خصوصا خانواده، دیده می شود و این معضلی اجتماعی و تبعیض جنسیتی است.

با مشاهده آمار و ارقام، نرخ بیکاری زنان نسبت به مردان (با وجود داشتن تحصیلات عالیه و تخصص) بیشتر است، در حالی که زنان نیروهای فعالی هستند که از مردان سازگارتر و فعالیت آنان، دقیق تر، و به دنبال سوءاستفاده و فساد نیستند.

در قوانین هم، حقوق زنان، نادیده گرفته شده است و همانطوری که همه می دانیم در مبحث قصاص هست که قاتل زن، می بایست نصف دیه مقتول مرد را بپردازد و سپس، قصاص می شود و آن به این دلیل است که دیه ی زن نصف دیه مرد هست.

مورد دیگر، سهم ارث، از ماترک پدر یا مادر هست که باز هم نا برابری، بین زن و مرد دیده می شود، زیرا، در حال حاضر، زنا، در کسب درآمد خانواده سهیم هستند و توجیهی برای این نا برابری وجود ندارد و متاسفانه هنوز هم این قانون مجرا است.

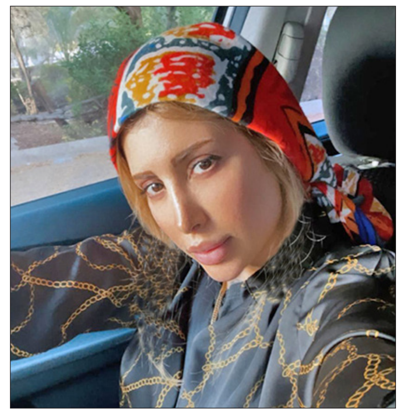
یکی دیگر از دغدغه های زنان، طلاق می باشد، هر چند که، طلاق یک پدیده اجتماعی است و علل و عوامل زیادی دارد، ولی در این بخش نیز نا برابری بین زن و مرد، کاملا مشهود است، مثلا مرد، هر زمان که اراده کند می تواند با پرداخت حقوق شرعی و قانونی همسر خود، وی را طلاق دهد ولی چنان چه زن متقاضی طلاق باشد، پرونده وی سالیان زیادی در جریان هست و نهایتا مرد، باید رضایت خود را اعلام کند که زن بتواند طلاق بگیرد، و همین موضوع سبب گردیده که دختران در هنگام عقد نکاح، از همسر آینده ی خود اختیار طلاق می گیرند که شوربختانه گاهی این موضوع، سبب تزلزل در پایه های کانون خانواده می گردد، و یا تمکین، که چنان چه زن تمکین ننماید، برای مرد حق ازدواج مجدد در نظر می گیرند ولی اگر مرد تمکین ننماید، قانون در این مورد مسکوت هست.

هیچ کس، منکر تربیت و وابستگی فرزند به مادر نیست، که قانون این موضوع را نیز در نظر نگرفته زیرا مادر در طول۷ سال کودکی فرزندش، سختیهای فراوانی در رشد و تربیت او متحمل می گردد و پس از گذراندن این سختیها در صورت وقوع طلاق ، فرزند خود را به پدر تحویل می دهد و پدر حق دارد، فرزند را بدون توجه به رابطه عاطفی بین فرزند و مادرش، از مادر جدا کرده و نگهداری او را بعهده بگیرد و اثرات روحی و روانی ناشی از آن، گریبان مادر و فرزند می گردد.

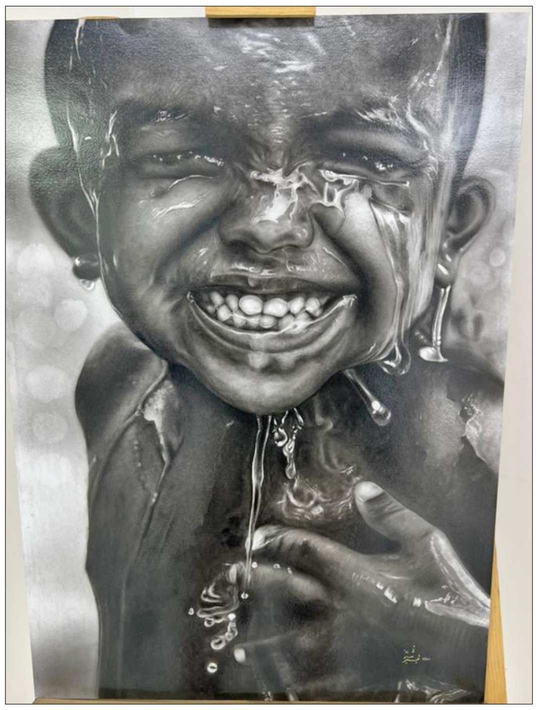
متاسفانه هم اکنون به دلیل کمبود جمعیت زنان که قادر به اصلاح این قوانین باشد وجود ندارد و این کسری کاملا مشهود است، امید که در آینده، این نقص برطرف گردد.

مصاحبه نسیم جنوب فرشته شریفی هنرجوی جوان نقاشی بوشهری:

از نقاشی کلی حس خوب و انرژی مثبت می‌گیرم



– لطفا خودتان را معرفی و بیوگرافی هنری خود را بفرمایید.
– فرشته شریفی هستم .اصالتا بوشهری هستم، از بچگی به نقاشی علاقمند بودم و الان سه سال است که با استاد کسرایی آموزش نقاشی می بینم.
– در چه زمینه هایی کار می کنید؟
– در زمینه رنگ روغن، آبرنگ، پاستل، سیاه قلم کار کرده ام.
– چه شد که به نقاشی علاقمند شدید؟
– من از بچگی نقاشی کشیدن را دوست داشتم.
– سوژه های نقاشی خود را چگونه انتخاب می کنید ؟
– بیشتر سوژهایی را دوست دارم که وقتی به آنها نگاه می کنم انرژی داشته باشند یعنی یه حس خوب از آنها بگیرم. حالا می تواند یک چهره لبخند باشد یا منظره یا یک حیوان یا هر چیزی.



– نقاشی چه چیزهایی برای شما به ارمغان آورده است؟
– از نقاشی کلی حس خوب می گیرم و انرژی مثبت.
– در نقاشی محو چه چیزهایی می شو ید ؟
– حرکت دادن قلم مو و چیدمان رنگها.
– آیا به دنبال گفتن حرف خاصی در آثارتان هستید؟
– بله، دوست دارم وقتی بیننده یا خودم به نقاشی نگاه می کنم، آن را حس کنم.
– تفاوت نقاشی با عکاسی؟
–عکس وجود دارد ولی نقاشی خلق یه اثر هست.
– چه پیشنهادی برای کسانی که علاقمند به نقاشی هستند دارید؟
– هر جا و در هر سنی هستید استارت بزنید.
– سخن پایانی؟
– امیدوارم هنر و نقاشی در بوشهر بیشتر دیده شود.



نگاهی به حس و حال دنیای زنانه در زمانه قحطی عشق



گالیا توانگر

اپیزود اول:

خانه نبود، بی‌وطن بودم. خانه و تک‌تک اجزایش قداست دارد. گلدان‌ها، بافتنی‌ها و آلبوم‌ها، اشیاء با ارزشی‌اند. کنار گلدان‌هایم قهوه می‌نوشم و رج در رج می‌بافم. کلاسی نرفته‌ام، فقط عاشقم. هر زن عاشقی می‌تواند دست‌هایش آفرینش‌های عجیبی داشته باشند. خانه کشتی نجاتی است که پاره‌های تنم را از شهر جمع می کنم و به آغوشش در می‌اندازم. خانه‌ی من از سنگ و سیمان و آجر نیست. خانه‌ی من خورشید، عکس و خاطره دارد. آه خانه، چشم روشن من، شعر! بیا شال گردنی برایت ببافم و تمام کوچه‌های شهر را قدم بزنیم. در تو درآیم و به اندازه‌ی چند سپید کوتاه در تو بیاسایم! در چشم‌های روشنی که موطن اصلی من است. هر صبح در آیینه به تو سلام می‌دهم. خورشید را به موهایم سنجاق می‌زنی و شانه به شانه‌ی هم برای نجات خودم می‌روم. چشم‌های روشن شعر نبود، شال گردن بافته شده نبود، گلدان و پنجره نبود، خورشید را در موهایم نداشتم، شعر بر لب‌هایم سلام نمی‌داد، آن‌وقت عصرها نمی‌توانستم دست گالیا را بگیرم و به خودش برگردانم. آه خانه، چشم روشن من، شعر! هیچ شاعری نمی‌تواند تَا این اندازه عاشقت باشد. بیا برایت شال ببافم، هرچند سپیدهای من کوتاه‌تر از آن‌اند که بخواهند پاگیرت کنند، با این‌حال شال به گردنت بینداز و از تریبون خسته‌ی شاعران بی‌عشقِ شهر به قلب من بازگرد. دوستت دارم شعور تعالی عشق، شعر!

اپیزود دوم:

بیا سریع‌تر زندگی کنیم. این دنیا ارزش آهسته زندگی‌کردن ندارد. فردایی که امروز است را تا خودمان قدم بزنیم.

می‌ترسم آن‌قدر آهسته دنیا تمام شود که نتوانم خودم را پیدا کنم. ای تنهایی باشکوه خودم! من پشت سر تو هستم، سرت را بگردان. تن‌پوش همیشگی رؤیایم! نگاه کن، تو همیشه روبروی منی. این مردم چه می‌دانند؟ ایستگاه‌ها را بگذار توی کوله‌ات، قطارها را بیاور، زندگی را سریع زندگی کنیم. می‌ترسم در آخرین کوپه نبینمت و آن چای داغ کلمه و حرف را از ما بگیرند. آخرین چریک شهرم که در سنگری دور به خودم، نامه می‌نویسم. حرف‌ها و کلمه‌هایم نمیرند بی تو، ای خیلی دور، خیلی نزدیک.

من نامه نوشتن و شعر سرودن و داستان نوشتن را عاشقم. همیشه ادبیات را عاشق بوده‌ام. شعر دارویی است که سبب دوام من شده، وگرنه بهارها تمام می‌شد.

من نامه نوشتن و شعر سرودن و داستان نوشتن را عاشقم. همیشه ادبیات را عاشق بوده‌ام. شعر دارویی است که سبب دوام من شده، وگرنه بهارها تمام می‌شد.

راستش را به تو بگویم، برای تو نوشتن را هم دوست می‌دارم. «تو» می‌تواند «اویی» باشد که این نوشته‌ها را می‌خواند و من هرگز ندیدمش.

حتی دوست می‌دارم کمی زمستان طولانی‌تر می‌شد تا می‌توانستیم مشغله‌ها را زمین بگذاریم، از شلوغی شهر بگریزم و در دل زمستان آدم‌برفی بسازیم.

باید خورشید آدم‌برفی‌مان را آب می کرد و چشم‌هایش را کف دست بهار به یادگار می گذاشت، تا سال دیگر فصل‌ها منتظرمان می‌ماندند، زمستان دیگری می‌رسید و آن دو هسته، آن دو چشم، در کالبد آدم‌برفی دیگری، فرصت دیدن دنیا و لبخندهایمان را می‌یافت. گاهی فرصت کن نامه‌هایم را بخوان و چشم‌هایم را ببین. من همیشه فکر می کنم یک روز سراغ این چشم‌ها را از آدم‌برفی آب شده‌ای خواهی گرفت و از آن دو هسته به‌یادگارمانده، از چشم‌های خفته، بنفشه کوچکی می چینی، هرچند دیگر بهار تمام شده باشد.



دنیا زود تمام می‌شود و این هراسناک است. گاهی فکر می کنم در دنیای بعدی هم کاغذ هست، قلم هست، شعر هست، حتی من و تو هم هستیم! چقدر سرسختم و دوست دارم همه چیز تداوم داشته باشد، از داستانی چندبخشی تا بهشتی با جلسات شعر؛ از من تا تو.

راستش را فقط به تو بگویم، از این شعر نه مخاطبش می‌ماند نه شهرتش. فقط من می‌مانم و آدم‌برفی، انتظار فصل‌ها و تو. بیا، بیا چای خودمان را بنوشیم، زندگی خودمان را بگذرانیم و گاهی نامه بنویسیم. از وقتی دیگر پستچی زنگ خانه‌ای را نمی‌زند، همدیگر را از یاد برده‌ایم. دیگر این شهر حتی متوجه آمدن بهار هم نمی‌شود. برایت کارت‌پستالی با پارچه و گل و برگ ساخته‌ام. کامواها هم در سبد بهار به‌خواب‌رفته‌اند، هیچ چیز خیال‌انگیزی بافتنی‌ها را ندارد، همه چیز به طرز اعجاب برانگیزی واقعی، واقعی شده است. روی کارت‌پستالت نوشته‌ام: «عالم پیر دگرباره جوان خواهد شد ...» چشم‌هایم پیر شده‌اند، کمتر می‌بینم، اما هنوز با دلم حس می کنم که این بهار باید، باید، باید برای تو مبارک باشد، چون من آرزوهایم را به تو عیدی می‌دهم که دربند بندشان تو نشسته‌ای و با نگاهت مرا به اضطراب خوب نوشتن می‌اندازی.

اپیزود سوم:

خاطره‌ی برخی اشیا هیچ‌وقت از ذهن بیرون نمی‌رود، گویی جانی داشته باشند و هرازگاهی پا در بیاورند و در خاطرت قدم‌زدن دوباره‌ای آغاز کنند. یکی از این اشیا جاندار در ذهن من گلیم جان سختی است که پدرم از دوران مجردی‌اش داشت. به‌وقت تأهل در آشپزخانه‌ی بزرگ خانه‌ی سازمانی (منازل کشاورزی بوشهر) پهنش کرده بود و سال‌های سال پا می‌خورد و آخ هم نمی گفت. سفره دورهمی می‌انداختیم رویش و هزار بار لیوان چایی‌ام روی تنش وارونه شده بود. جگری رنگ خوش‌رنگی داشت آن گلیم، کار ترکمن. با این‌حال هر بلایی که سرش می‌آمد، جوان و جوان‌تر می‌شد. من همیشه وقتی که بغضی در گلو داشته‌ام به آن گلیم خوش‌رنگ و لعاب جان‌سخت فکر کرده‌ام. برای شاعر شدن باید گلیم شد! درد در تاروپود داشت، اما کلمات زیبا و خوش‌رنگی کنار هم چید تا درد هم زیبا جلوه کند و لازمه انسان‌تر شدن شاعر و متعالی‌تر شدن شعرش گردد. شاعر سفارشی چه سود؟ مگر شما سفارشی عاشق می‌شوید؟

برخی اشیا تصویرشان عجیب به ذهن و دل می‌نشیند و تا همیشه زنده می‌ماند. البته این را هم بگویم، بستگی دارد در کنار تصویر آن شی خاطره چه عزیزی یا نیش کدام دشمن به ذهنتان متبادر گردد؟ پدرم شب‌های بسیاری روی آن گلیم زیر لامپ آشپزخانه نشست و به‌حساب و کتاب اموال داری اداره مشغول شد. خیلی زحمت می کشید. از «جم و ریز» گرفته تا «اهرم» رفت و بذر به کشاورزان رساند. قوطی‌های بذر گوجه‌فرنگی یا خیار و صیفی‌جات هنوز هم در خاطرم یادشان زنده است. من از بچگی در کنار پدرم کارمند شدم. همراه مأموریت‌های اداری پدرم سراسر بوشهر را گشتم و خوب می‌دانم درد در چشم یک کشاورز قرمز می‌پوشد و از زنگوله‌های عرق پیشانی‌اش بیرون می‌زند. درد زیرپوست آفتاب‌سوخته پدرم بود و از طریق فیش حقوقی‌اش به ما ارث رسید! درد همیشه هم زشت و دردآور نیست. برای شاعر شدن به شدت لازم است.

یکی از بچه‌های کلاس کارگاه شعری که می‌روم آن روزی پرسید: «برای شاعر خوب شدن چه چیزهایی لازم است؟» گفتم: «درد!» گفت: «پزشکی می‌خوانم یعنی بروم ایدز بگیرم؟!» گفتم: «اگر می‌بینی تنها راه دسترسی‌ات به درد عمیق جامعه پیرامونت است، اندکی پابه‌پای بیمارانت درد بکشی، چه باک؟!»

برخی اشیا هم زیبایند، ولی وقتی تو را یاد فردی می‌اندازند، درد کشنده‌ای مثل درد دندان به وجودت می‌نشیند. فردی بود که می‌خواست گلدانی از گل‌های ریز داوودی خوش‌رنگ برایم بیاورد. ناگهان متوجه شدم، او تنها ادای درد و عشق را در می‌آورد. اگر ادا در بیاوری و بازی کنی، نمی‌توانی عاشق باشی و یا شاعر خوبی بشوی. ناگهانی رفت و پشت دود سیگار و...محو شد. شعرهای خوبی هم می گفت، اما شعرهایش چند روزی زندگی می کردند و می‌مردند. شعرهایش مصنوعی بودند. مصنوع شدن تاریخ انقضا را پذیرفتن است.

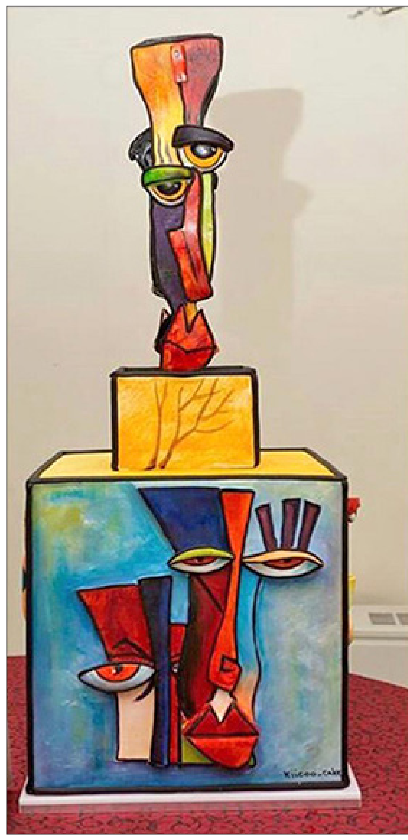
پدرم هیچ‌گاه شعری نسرود، اما خاطره دست‌هایش، پوست آفتاب‌سوخته‌اش، حتی فیش حقوقی‌اش، شعر خانواده من شد. پیش‌ترها اصرار عجیبی داشتم که الا و بالله باید با شاعری وصلت کنم. حالا دنبال انسانی هستم که دست‌ها، چشم‌ها و قلبش شاعر باشد. مهم نیست دیوان داشته باشد یا نه؟ مهم این است که حتی اشیا متعلق به او رنگ و بوی عشق را داشته باشد. باید دنیا را گشت و این آدم را یافت. حتی هدف جست‌وجوگری در باب انسانی که وجودش شعر باشد، تو را بر گلیم‌های خوش‌رنگی می‌نشاند. گاه آن‌قدر در جست‌وجوی عشقی که نگاه می کنی و می‌بینی خودت به عشق تبدیل شده‌ای. یک شاعره باید خودِ عشق باشد.

مصاحبه نسیم جنوب با مرضیه بهرامی هنرمند شیرینی پزی و دکوراتور کیک در شهرستان دیر:

کیک و شیرینی با جسم و روح شیرینی‌پز، آمیخته می‌شود

شیرینی پزی به علاقه فراوان و تمرین زیاد نیاز دارد





– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

– مرضیه بهرامی هستم. متولد تیرماه ۱۳۶۸، اهواز به دنیا آمدم و بزرگ شده بندر زیبای دیر هستم، فوق دیپلم صنایع شیمیایی دارم و نیمه اسفند هفتمین سالی می شود که دکوراتور کیک هستم.

– چه شد که به کیک پزی علاقمند شدید؟

– برنامه های شیرینی پزی و آشپزی را که تماشا می کردم یا کتاب هاش می گرفتم خیلی لذت می



بردم. حتی یادم میاد که تو اون سن پول تو جیبی هام را جمع می کردم وسایل قنادی می گرفتم، شروع می کردم به کار کردن و اولین کیکم را کلاس پنجم دبستان که بودم پختم.

– آیا آموزش خاصی هم در این زمینه دیدید؟

– بله دوره های متفاوتی مثل کار با خامه، فوندانت، شکلات و... رفتم و با اساتید ایرانی، آمریکایی و ایتالیایی دوره گذروندم.

– آشپزی تان چطور است؟

– من که راضی ام، اما باید از اطرافیان پرسید.

– برای یک کیک زیبا و خوشمزه چه مراحلی را طی می کنید؟

– اولین تخم مرغ رو که می شکونم شروع کنم به کار کردن خدا را شکر می کنم که علاقه ام، شغلمه و لذت می برم و بعدش می شود پخت کیک، فیلینگ، خامه کشی و تزیینات البته به سبک کیکو کیک.

– بازخورد دیگران درباره کیک های شما چگونه است؟

– خیلی خیلی کامنت و بازخوردهای خوبی می گیرم و باعث میشه کلی انرژی بگیرم برای ادامه مسیرم.

– آیا آشپزی و از جمله کیک سازی یک هنر است؟

– از دیدگاه من قطعا هنر هست.

– استقبال از کیک های شما چگونه است؟

– خدا را شکر می کنم، اینطور بگم که من همراه هایی دارم که از تولدهاشون تا مراسم نامزدی و عقد، عروسی تا جشن بارداری و تعیین جنسیت دلبندشون و به دنیا آمدن و جشن دندونی تا تولدهای یک سالگی و... با من هستند و خیلی ازشون ممنونم.

– آیا آموزش هم می دهید؟

– بله آموزش دارم و تا الان هنرجوهای بسیاری داشتم و با افتخار میگم که کلی هاشون پا به پای من دارند کار می کنند و درآمدزایی دارند.

– سوژه های کیک خود را چگونه انتخاب می کنید؟

– بستگی داره، اگر مشتری تم خاصی مد نظرشان باشد در همان راستا کیک شان را کار می کنیم اما اگر بسپارند به خودم یه سری اطلاعات از مشتری می گیریم و کیک را طراحی و اجرا می کنیم.

– شکل کیکها تقلیدی است یا ابتکاری؟

– ۹۰ درصد ابتکاری، برای مثال کیکی را می



توانم بگم که در مسابقات دکوراتوران کیک ایران در سطح پیشرفته کار کردم و کیک من کیک منتخب مسابقات شد، و ۱۰ درصد باقی مانده هم برمی گرده به همراه های نازنینی که دارم و اصرار و تاکید دارند که حتما طرحی که خودشان می فرستند کار بشود.

– درباره این مسابقه، دکوراتوران کیک ایران توضیح دهید.

– مسابقات استعداد برتر کیک ایران در سال ۹۶ در تهران برگزار شد، در دو سطح پیشرفته و مبتدی بود و دو مرحله داشت. مرحله اول عکس کیک را بصورت آنلاین ارسال می کردیم و اگر امتیاز کامل کسب میشد به فینال مسابقات راه پیدا می کردیم و باید کیک را کار می کردیم و در تهران برای مسابقات حضوری می رفتیم.

– سوژه کیک شما چه بود؟

– موضوع زندگی ماشینی بود که که من تاثیر زندگی ماشینی روی چهره و تنهایی و مد را کار کردم.

– از بوشهر چند نفر بودید؟

– از استان بوشهر فقط دو نفر حضور داشتند، یه خانم از بندر بوشهر بود در سطح کیک های مبتدی و من از دیر در سطح کیک های پیشرفته.

– داورها کی ها بودند؟

– داور خانم جسیکا حضوری آمده بودن ایران و ۴ داور بین المللی دیگه هم بصورت آنلاین داوری می کردند.

– کیک شما چه مقامی آورد؟

– کیک من کیک منتخب کل مسابقات معرفی شد، نه که اول شدم.

– به نظر شما یک کیک پز چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

– اول دوم و سوم علاقه فراوان، پشتکار زیاد، صبر به مقدار لازم، خوش رویی، روحیه مقاوم برای اوایل کار که اثر هنریت تبدیل می شود به یک افتضاح، ذهن خلاق و باز.



– در کجا کیک های خود را می پزید و به فروش می رسانید؟

– من یه کارگاه خونگی دارم و صفر تا صد کارم را توی کارگاه خونگی انجام میدم.

– آیا از طریق فضای مجازی هم فروش دارید استقبال چگونه است؟

– بله من از اوایل کارم در فضای مجازی حضور داشتم و استقبال خوبی شده.

– خارج از شهرستان دیر، از چه طریقی سفارش کیک داده می شود؟

– سفارش گیری از خارج شهرستان تا الان زیاد داشتیم و از طریق شماره های

۰۹۱۷۷۷۶۹۸۴۰ و ۰۹۱۲۹۲۷۶۰۲۷

در واتساپ، تماس تلفنی و یا در دایرکت اینستاگرام با آدرس kiicoo_cake ارتباط برقرار می شود.

– مشوق و حامیان شما چه کسانی بودند؟



– اول از همه همسرم، بعد از آن خانواده ام خیلی همراهم بودند و البته شخصی که باعث شد علاقه ام تبدیل به شغل و حرفه ام بشه پدر همسرم بودند.

– چه توصیه ای به کسانی که به کیک پزی علاقه دارند دارید؟

– اوایل کارتان خیلی امکان خراب شدن کیک هاتون وجود داره، اصلا نا امید نشوید و به کارتون ادامه بدهید چون آن کسی که به این هنر علاقمند هست، کیک و شیرینی با جسم و روحش آمیخته شده و به بهترین خودش خواهد رسید.

– سخن پایانی؟

– دوست دارم از این فرصت استفاده کنم و به علاقمندان شیرینی پزی بگم که در هر شرایطی و



در هر سنی هستین حتما شروع کنید چون شیرینی پزی فقط به دو چیز نیاز دارد: علاقه ی فراوان و تمرین زیاد. من گاهی این قدر تمرین داشتم که به خودم که میومدم می دیدم ۱۵ ساعت سر پام در حال تمرینم.

همچنین خیلی خیلی ممنونم از همسر عزیزم که حامی من بود و خانواده مهربونم که پا به پای من تا اینجا آمدند. برای خیلی جالب بود که این مصاحبه مصادف شده با تولد ۷ سالگی کیکو کیک و با شما دارم مصاحبه می کنم. در آخر از شما و هفته نامه نسیم جنوب سپاسگزارم که این فرصت را در اختیار من قرار دادید.



وسواس زیباتر شدن!

الهه منصوری



روزهای اسفند ماه به سرعت در گذر است، و هر روز از تعداد زنانی که بی دغدغه نغمه عشق و روییدن و امیدِ به نزدیکی بهار را زمزمه می کنند، کم می شود. در عوض خبرها و شلوغی مراکز زیبایی پر رونق است. به نظر می رسد حال برخی زنان خوب نیست!

چرا؟؟

این سوال شاید هزار و یک جواب داشته باشد که یکی این است : هرچه بزرگتر می‌شود خودش را بیشتر از دست می‌دهد!

درد مشترک و دغدغه از موجی که به راه افتاده و زنانی که سوار بر اینِ موج زیبا تر و جذاب تر بودن شده‌اند.

من اصلا مخالف آرایش و زیبایی نیستم بلکه چندان هم موافقم. حرف من بر سر افراط است، افراطی که دیر یا زود تاثیرش دامنگیر همه مان می شود.

قطعاً رنگ و لعاب و تغییر برای زن همیشه بوده و هست، اما باید اعتراف کنیم نگران کننده هست، سرانجام عمل های زیبایی غیر ضروریِ به غایت حساب شده و وسوَاس بیش از حدی که به ظاهر مَان پیدا کرده ایم، طوری که هر کار هم که بکنیم باز دنبال نقطه‌ای برای اصلاح می گردیم. باطنمان هم که خیلی مهم نیست!

می خواهیم آن قدر خود را در پشت نقاب های جورواجور قایم کنیم و وانمود کنیم آن چه را که وجود ندارد،تا جایی که خودمان هم باورمان شود که حتماً ظاهرمان باید طور دیگری باشد.

حالا زمانی که حتی با خودش هم تنها می‌شود خوف دارد نقاب را بردارد و زیرش را عریان ببیند. همین زنی که چند سال پیش را فراموش کرده که چطور عاشق خودش بود و امروز فریب همرنگی را خورده و آنقدر از خودش دور شده که گاهی نمی داند فرق نقاب و واقعیت را در آینه،همانطور که چندان مفهوم زیبایی را نمی داند و خود را با ترازوی تایید زیبایی دیگران قیاس می کند و یادش نمانده که سلیقه ها با هم فرق دارد ...

شاید در بین پیچیدگی های دنیای امروز، این مسئله ی ساده ای به نظر برسد. اما نیست!

باید اقرار کنیم که بی حضور زنان معمولی زندگی برهوتی می شود خالی از عشق و امید ...

من فکر می‌کنم این روزها از آن روزها شروع شد که جایگاه زنانمان را کم دیدیم، با ناعدالتی حقوقش را برابر ندانستیم، رفتارهای متجاوزانه و تبعیض آمیز داشتیم، با خشونت بر آزادی‌اش مسلط شدیم و به جهت توسعه مُد و هزاران تجارت متفاوت، دیگر زنان معمولی کانون شماره یک توجه نبودند و این تنها بخشی از مسائلی است که سبب شد یک زن حقیقت و گاهی هویتش را فراموش کند.

زنی که نیمی از حقیقتش را پنهان می کند، چنان چه که نیمی دیگر از حقیقت درونش را به آشوب می کشد، زنی که به دور خود حصاری کشیده به وسعت تنهایی اش و نمی‌خواهد خود را ببیند، زنی که این روزها غمباد گرفته است...

می خواهی بشنوی آن چه را که در درونش ناله می کند : او دوست دارد تمام باید ها را دور بریزد و آن گونه که هست دیده و پذیرفته شود، زنی بی آلایش درونش نفس بکشد و دنیای معصوم درونش بوی کهنگی ندهد، دور از چشم قضاوت‌ها و بدوَن هیچ دلهره ای ظاهر شود، حسرت نداشتن ها چنبره بر قلبش نزند و اصرار بیهوده بر شبیه بودن نکند، بوتاکس حالت چشم هایش را عوض نکند، عمل‌های جراحی گونه هایش را برجسته و بینی اش را کوچک و لبش را پف کرده نکند، ابرو و مژه و ناخن و موی مصنوعی آویزانش نباشد وگاهی آن قدر در مقابل زنان دیگر احساس حقارت نکند و با خود واقعی اش احساس هویت کند و سرشار از تحسینِ زیبایی منحصربه فردش... میدانی؟! نکند مثل همیشه خیلَی زود، دیر شود. بیا سکوتِ فریاد را بشنویم!

جهانی انسانی با رفع تبعیض جنسیتی و برابری مرد و زن

دکتر زهره عالی‌نسب

روز جهانی زن که هرساله در۸ مارس برابر با ۱۷ اسفند برگزار می شود، نقطه کانونی جنبش زنان بحساب می آید. این تاریخ، ریشه در مبارزات زنان کارخانه نساجی در نیمه قرن ۱۹ در آمریکاست که زنان برای حقوق بشر، ساعت کار کمتر ومبارزه با بیعدالتی وتبعیض دست به اعتصاب زدند. این مساله ادامه داشت تا ۵۰ سال بعد و انسجام وهمبستگی زنان این کارخانه که منجر به آتش گرفتن وکشته شدن عده ای از زنان این کارخانه انجامید.

این حرکت سوسیالیستی وضد تبعیضی، در امریکا و آلمان ودر سایر نقاط جهان ادامه پیدا کردتا این که سرانجام در سال ۱۹۴۵ با صدور قطعنامه ای توسط سازمان ملل، نخستین توافقنامه که در آن، اصل بر برابری زن و مرد بود به امضا رسید. این رخداد، گام مهمی در بهبود وضعیت زنان جهان بود.



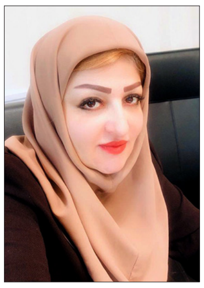
سرانجام مبارزات و تلاشهای زنان، نتیجه داد و مدرنیته ارمغان خود را به زنان هدیه داد. در این جوامع زن هم می تواند در قامت یه سیاستمدار حکومت کند و هم می تواند در عرصه های مختلف علمی و فرهنگی و حقوقی و ورزشی بدرخشد.

ولی در جوامع سنتی و در حال توسعه هنوز راه زیادی برای برابری حقوق زن و مرد مانده است. در جوامع سنت گرا، تنها رجال سیاسی، حق فعالیت در عرصه کلان سیاست دارند. در زمینه حقوق خصوصی نیز زن بدون اذن مرد، حق مهاجرت، طلاق و حضانت بچه را نداشته و موقع شهادت و داوری، ارث و دیه نیز از حقوق یکسان برخوردار نیستند.

حتی برخی فیلسوفان معتقد بودند که زن فقط برای خدمت به مرد خلق شده است و زن را جنس دوم و ناقص العقل و ضعیف النفس معرفی می کنند که نه محرم اسرار است نه مورد اعتماد. تفکر سنتی نیز زن را مایملک مرد بحساب آورده و در صورت عدم تمکین، ناسازگاری و خیانت مستحق قتل هم می داند.

آمار زیاد قتلهای ناموسی بیانگر حق تملک مرد بر دختر و یا همسرش است و در صورت ارتکاب قتل و یا ضرب و شتم مجازاتی بسیار ناچیز به او تعلق می گیرد.

اگر به ریشه تاریخی روابط مرد و زن در جامه نگاهی بیاندازیم، متوجه می شویم که قبل از عصر کشاورزی شاهد وجود مادر خدایان (الهه آب، الهه خورشید، عشق، نانا،گایا، آتنا) بودیم ولی بعد از ارتقاء از شکار به کشاورزی جامعه کم کم مردسالار شد و زن سالاری قبیله ای جایش را به مرد سالاری دنیای پس ازکشاورزی داد. برای انسان در مرحله پیش از تاریخ همه نیروهای طبیعت خداگونه البته غالبا به واسطه زایندگی



شان مادینه اند زیرا مردها شکارچی بودند و فرصت چندانی برای عرض اندام در جامعه نداشتند.

آنها شب ها خسته از شکار روزانه به کوه‌ها و غارهایشان باز می گشتند وهمه وظایف مهم مدیریتی به عهده زنها بود، اما با آغاز عصر کشاورزی مردان قبیله دیگر ناچار به خروج از محیط زندگی نبودند و آرام آرام رهبری قبیله را از دست ننه های کارازموده بیرون کشیدند و رفته رفته خدایان نرینه ای در برابر ایزدبانوها علم کردند و خدایان مردسالار از دل تاریخ بیرون آمد. برای نیل به این برتری زن ها باید تحقیر شوند تا بدین ترتیب مقام و مرتبه شان نزد نسل های بعدی به کلی فراموش شود. آنها باید مغضوب خدایان باشند. پس دروازه ورود به دوزخ قلمداد شدند و عامل هبوط. و از آن جا که جایگاه تمدن های قدیم بین النهرین بود این فرهنگ ریشه دار به سایر جاها سرایت کرد و با آمیختگی با ایدئولوژی، سنت و فرهنگ تبدیل به باوری ماندگار گردید. تا زمانی که زن ها دست به اعتراض زدند و به بسیاری حقوق خود رسیدند ادامه داشت و هنوز نیز در جوامع سنت زده و قبیله ادامه دارد.چه خوب بود از همان ابتدا، تبعیضی وجود نداشت و نه نامی از زن سالاری بود و نه مرد سالاری



زیرا برتری هرکدام یعنی رشد خودخواهی ها و از بین رفتن عواطف و خوی حیوانی در انسان و باعث و بانی بسیاری از جنگها که نتیجه حرص و قدرت طلبی و خلق بیمارست. شاید اگر جهان متاثر از برتریهای جنسیتی نبود و زن و مرد برابر بحساب می آمدند، جهان زیباتر و زیستن، انسانی تر بود و اگر فارغ از جنسیت آدمیان از زیستی برابر برخوردار بودند و بیشتر به تقویت جوهر انسانی می پرداختند و در جهت انسان بودگی بیشتر قدم برمیداشتند اکنون زمین بسی زیباتر و شاعرانه تر بود .

امیدوارم روزی فرا رسد که واژه حقوق زن و مرد تبدیل به تلاشی فراگیر در جهان برای انسان بودن شود و من آن روز را انتظار می کشم. روزی که جهان، شاعرانه شود و موسیقی انسانیت، طنین انداز گردد.

کودک همسری، معضل جامعه ایران

معصومه خرّم
– تسهیلگر و کارشناس مداخله در بحران فردی، خانوادگی و اجتماعی



نیازها و دغدغه‌ی امروز زنان ناآشنایی و ناآگاهی خانواده خصوصا مردان در خصوص حقوق دختران و زنان (اعم از نیازهای جسمی، روحی- روانی و جنسی، حق تصمیم در امر ازدواج و ...) است که برای رسیدن به این هدف تعالی نیازمند آموزش خانواده با استفاده از رسانه‌ها، مدارس از پایه تا دانشگاه می باشد.

تا دختران امروز به جای دل بستن محض به مد (چهره، اندام و...) حقوق و جایگاه اصلی خود را با اهمیت دادن به استعدادها برای رسیدن به استقلال فکری و اقتصادی و... روی آورند.

متاسفانه یکی از معضلات جامعه امروز برخلاف شعارهای زیبای پیشرفت فرهنگی موضوع کودک همسری و قبول مسئولیت مهم و سنگین خانواده است.

مهم‌ترین مسئولیتی که اگر در زمان مناسب بر عهده‌ی آنان گذاشته شود بهترین فرزندان (زنان آگاه به حقوق و جایگاه خود، جرات مند، با عزت نفس بالا و مستقل، مردان آگاه و روشنفکر) را تحویل جامعه خواهند داد.

ما زنان بیش از هر چیز به حمایت رسانه‌ها در فرهنگ سازی و آگاه سازی حقوق مسلم بانوان در اجتماع نیازمندیم که متاسفانه بخش اعظم مهم‌ترین رسانه‌های جمعی (فیلم و سریال) بجای به تصویر کشیدن زنان بعنوان بانوی مستقل و موفق در تمام عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به تصویر کشیدن چهره و زیبایی زنان در سریال‌ها و ... شده و تاسف برانگیزتر نیز این که در راس امور دولتی جایگاه ویژه‌ای برای زنان در نظر گرفته نشده تا الگو و مشوقی برای زنان و دختران کشورمان باشد.

ما زنان امروز نیازمند تحول در نظام آموزش خانواده هستیم.

در بحث آموزش خانواده‌ها تحول لازم است تا دختران و پسران ما در فرآیند تربیتی مسئولیت‌های خودشان را بشناسند، مردان و زنان حق و حقوق یکدیگر را به رسمیت بشناسند و آنها را رعایت کنند.



پایین آوردن ارزش زن با تفکیک جنسیتی

کی ناز کوهی



روز جهانی زن بهانه ای شده تا که به اعماق دل مادران و بانوان سرزمینمان رجوع کنیم و جویای نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی شویم که در ذهن لطیف شان باعث آزارشان می‌شود. بانوان غزل های لطیفی هستند که شاه بیت های روزگار را در درون خود قرار دادند با این حال رنج های آنان را نمی توان مکتوب کرد. بانوانی که به خاطر آراستگی ها و زیبایی های خدادادی مورد آزار قرار می گیرند و حتی کشته می شوند یا به خاطر ظریف بودن شان ضعیف خوانده می‌شوند؛ بانوانی که به خاطر زن بودن شان مورد افسوس و تمسخر مردانی قرار می‌گیرند که فقط به زور بازوی مردانگی خود چسبیده‌اند.

آری! ما بانوان ایران در جامعه ای در حال رشد هستیم که مردسالاری در آن موج می‌زند. جامعه‌ای که به ظاهر به زنان آزادی می دهند و از تفکر آنها استفاده می‌کنند ولی عملاً این آزادی رفتار و تفکر وجود ندارد. مسائلی همچون ممنوع‌الخروج شدن دختران و خانم ها توسط والدین و همسران خود یا ازدواج دختران زیر ۱۸ سال به جبر پدران در مناطق محروم و یا روستاهای کوچک که برای زنان آزادی تلقین نمی‌شود بلکه زندانی بزرگ را به وجود آورده است که حقوق نابرابر در آن خانم ها را مورد آزار قرار می دهد. با این حال آنها فقط تحمل می کنند چون چاره ای جز این ندارند.

یکی از دغدغه‌های مهم بانوان در ایران تفکیک جنسیتی است که میان خانم ها و آقایان در فضاهای عمومی به وضوح دیده می شود. تفکیک جنسیتی که دختر بودن و پسر بودن را به وجود می آورد و آنها را از هم جدا می کند و باعث می شود که دختران و پسران یک جامعه نتوانند به طور صحیح با هم ارتباط برقرار کنند؛ لذا یکی از نیمه‌های تاریک روابط اجتماعی محسوب می‌شود. و اما در میان این جداسازی ها، تبعیض جنسیتی است که در ملت ما وجود دارد و باعث پایین آوردن ارزش زنان ملت مان می شود.

پیش داوری های نابحق و قضاوت‌های اشتباه در رابطه با خانم ها و همچنین افزایش زن ستیزی در فرهنگ یک سرزمین پیامدهایی همچون آزار جنسی، تجاوز جنسی یا انواع خشونت‌های جنسی را به همراه دارد که در چند دهه اخیر در کشور ما نیز افزایش داشته است. این تبعیض، امنیت و آزادی بحق زنان را در کشور سلب کرده است و باعث ترس و وحشت در بین دانش آموزان دختر و همچنین بانوان شده است.

اینها مشکلات جدّی بودند که ذهنم را مشوش کردند و بسیار دل من را به درد آورد. بانوان سرزمینم! از شما تمنا می کنم که برای خودتان احترام بگذارید، برای خود و هم نوع خودتان ارزش قائل شوید و دیگر تحمل نکنید! دیگر سکوت نکنید! چرا که سکوت باعث درمان چیزی نمی شود. بیایید این خرابه هایی که در جای‌جای این کشور ایجاد شده را با هم درست کنیم. بیایید این ویرانی ها را باهم آباد کنیم و فردایی بهتر را برای خود و فرزندانمان به وجود بیاوریم.

در آخر می خواهم این سخنان را تقدیم به ۱۷ ساله هایی کنم که به دلیل بانو بودن بسیار زود این دنیا را ترک کردند و رهسپار مرگ شدند.

هستی زن را به جنون نکشانید

مائده قیم



روز جهانی زن از جنبشی کارگری شروع شد و به رویدادی در سال تبدیل شد که سازمان ملل متحد آن را به رسمیت شناخته است. این روز در واقع به منزله اتحاد زنان دنیا برای حقوق خود و تساوی حقوق با مردان است.

این تساوی حقوق شامل همه زمینه‌ها همچون موارد علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است.

دغدغه اصلی من برای نگارش این موضوع مشکلات زنان و مهم‌تر از آن نگاه جامعه به جایگاه زن بوده است؛ جامعه‌ای که از زنان می‌خواهد صبور و مقاوم باشند و زنان سرکش را نمی‌پذیرد.

نقش، اهمیت و جایگاه زنان در جامعه همواره مورد حمایت قانونگذار قرار داشته و به همین دلیل قوانین حمایتی زنان از گستردگی قابل توجهی در نظام حقوقی ایران برخوردار است.

اما هنوز قوانینی همچون گرفتن حق طلاق از زنان، محدودیت زنان در حضانت کودکان، تعیین محل زندگی و انتخاب شغل و سفر به خارج از کشور و قوانین تبعیض آمیز، نابرابری در دیه زنان و مردان و... وجود دارد که آزادی و حقوق برابر را از زنان سلب کرده است.

زن و شوهر از لحاظ ظاهری در یک خانه زندگی می‌کنند اما از لحاظ عاطفی فرسنگ‌ها فاصله در دو دنیای متفاوت سیر می‌کنند. سستی از طرف یکی از زوجین یا ناکارآمدی و عدم توافق در مورد داشتن رابطه جنسی می‌تواند فرد را به سمت خیانت و ارضای نیازهای جنسی خارج از محیط خانواده بکشاند. نداشتن اعتماد به نفس، مشکلات روانشناختی، تعارضات فرهنگی، مشکلات مالی، انتقام و... می‌توانند از دلایل خیانت باشند. بعضی مواقع ممکن است فرد خیانت دیده به دلیل ناتوانی در کنترل هیجانات خود بخواهد به شکلی غیر منطقی به قصد انتقامجویی اقداماتی انجام دهد.

در یک روز سرد زمستانی که فرخنده از سر کار به خانه می آید، شاهد حضور همسرش با زن دیگری می شود و در آن لحظه خون جلوی چشمانش را می گیرد همسر خود را به قتل می رساند.

فرخنده به علت کمبود محبت از جانب همسر و نداشتن مهارت های ارتباطی و گفتگوی زناشویی نتوانست با تحقیق و بررسی، از نشانه‌های طلاق عاطفی آگاه شود و زندگی خود را مورد کنکاش قرار دهد و وقتی شاهد سردی رابطه و عدم تمایل همسرش به خود بود، در جهت حل آن تلاش نکرد و این بی احساسی‌ها دامنه‌دار شد؛ چرا که اگر در این خصوص سریع و به موقع اقدام می کرد، این صدمات جبران‌ناپذیر به حریم خانواده اش وارد نمی شد.



«فرخنده» دختری که با هزار امید و آرزو پا به خانه بخت و خوشبختی گذاشته است و رابطه ای عاشقانه با همسر خود برقرار می کند، می گوید: «یک سال اول زندگی زناشویی در آرامش کامل بسر می بردم و صبح ها همسرم به محل کار خود می رفت و ساعت نه شب خسته و کوفته به خانه می آمد. من نیز برای قدردانی از همسرم خانه را آرام و محلی برای استراحت قرار می دادم. روزها می گذشت و ما تصمیم به بچه دار شدن کردیم، با تمام مشکلات و سختی های اقتصادی و نداری فرزندم به دنیا آمد و من از داشتن فرزند و همسرم خدا را شاکر بودم. کم کم وضع مالی مان بهتر شد فرزندمان بزرگ شد و از داشتن این زندگی خوشحال و راضی بودم، اما یک چیز مرا آزار می داد. رابطه عاطفی من و همسرم روز به روز کمرنگ تر می شد و بیشتر از هم فاصله می گرفتیم وقتی اعتراض می کردم، مشغله کاری و فشار زندگی را بهانه می کرد و مشاجرات ما بیشتر می شد و به علت عدم تفاهم و بروز تفاوت‌ها، عشق بینمان به سرعت فروکش کرد و زندگی ما را در تنگنا قرار داد و من چون از لحاظ مالی متکی به همسرم بودم و نمی توانستم دوری فرزندم را تحمل کنم، در خانه ماندم. اما دیگر به همسرم احساسی نداشتم و شروعی برای خیانت همسرم نسبت من شد».

طلاق عاطفی از نظر لغوی به معنای آن است که موضوع دیگری که در اینجا قابل بحث است این که چرا در جامعه ما خیانت برای مردان امری عادی نشان داده شده است و اگر این اتفاق بر عکس بود طبق قانون زن محکوم به خیانت می شد و با عنوان قتل ناموسی و قصاص اجرا نمی شد.

متاسفانه فرخنده هم اکنون در زندان به سر می برد و از اتفاقات بوجود آمده بسیار پشیمان است و حسرت روزهایی را می خورد که می توانست زندگی خود را از این وضعیت نجات دهد.

در روایت زندگی فرخنده چهار عامل که مستقیم و غیر مستقیم ارتباط با حقوق زنان و تاثیر جامعه داشته است مد نظر است :

۱.آگاهی نداشتن از مهارت های زندگی زناشویی در جلوگیری از طلاق عاطفی.

۲.نبود قانونی در حمایت از زنانی که مورد خیانت قرار گرفته اند.

۳.پرداخت مالی نصف دیه به اولیای دم.

۴.نداشتن صلاحیت حضانت فرزند.

ریشه‌یابی جرم و حل علت‌ها مقدم بر برخورد با معلول است، اگر قوانین به نفع این زن اجرا شود، مادری از فرزندش جدا نمی شود.

امید است کاتبان قانون با تجدید نظر در متن آن، حامی زنان بی دفاع باشند و دیگر شاهد این مسائل نباشیم.

وحشت از رسوایی

مژده مواجی



وارد اتاق کارم شد و چترش را که قطره‌های باران از آن می‌چکید، گوشه‌ای گذاشت. احوالپرسی کردیم. پالتواش را که آویزان می‌کرد، گفت:

– چه هوای سرد و بارانی‌ای.

از پنجره نگاهی به آسمان یک‌دست خاکستری و تیره انداختم.

– دلم نور خورشید می‌خواهد و گرما.

خندید و با روحیه‌ای خوب کیف دستی‌اش را باز کرد. دفتر یادداشت و تعداد زیادی کاغذ از کیفش بیرون آورد. با ذوق گفت:

– ببینید چقدر مشق نوشتم.

روی تمام کاغذها با مداد نوشتنِ اعداد به حروف را به زبان آلمانی تمرین کرده بود. پشتکار و انگیزه‌اش برای یادگیری را ستودم. بلند شدم و به آشپزخانه رفتم تا برای هردومان قهوه بیاورم. برای او با شیر و شکر و برای خودم تلخ. قهوه را که جلوش گذاشتم، انگار که کار مهمی داشته باشد، گفت: بعد به یکی از بستگانم در کابل تلفن می‌زنم. دوست دارم که شما را هم ببیند.

با تعجب گفتم:

– چه آدم مهمی شده‌ام.

چهره‌اش غمگین شد و گفت:

– بعد از این که طالبان همسرم را کشت، با سه تا فرزندانم از افغانستان گریختم. یک زن تنها و بدون مرد این کار را بکند، مردم به چشم شک و تردید به او نگاه می‌کنند. همه‌شان می‌خواهند بدانند که من اینجا چه می‌کنم.

– تو از آن جا دوری، به محیط جدیدی آمدی و زندگی جدیدی شروع کردی. چه ربطی به آن‌ها دارد.

با درماندگی گفت:

– چه کنم؟ برایم مهم است که بدانند، من اینجا دارم به کلاس زبان آلمانی می‌روم، برای کوچینگ شغلی پیش شما هستم و شما هم زن هستید. تا فکر نکنند که من اینجا با مردها می‌پلکم.

موبایلش را در دست گرفت، در واتس‌اپ روی شماره‌ای فشار داد و بعد روی بلندگو زد. چند بار تلفن زنگ خورد. تماس برقرار شد و صدای مردی شنیده شد. با هم احوالپرسی کردند. مراجعم گفت:

– ببین کجا هستم. اینجا مشغول یادگیری‌ام. مربی‌ام هم کنارم نشسته. با مربی‌ام احوال‌پرسی کن.

موبایلش را به طرف من چرخاند. مردی جوان با چشم‌های بادامی و موهای کوتاه تیره‌رنگ آن‌طرف بود که کاپشن زمستانی آبی سرمه‌ای رنگی را به تن داشت. بعد ازاحوالپرسی، خودم را معرفی کردم. احساسی آمیخته از مقاومت و طنزی تلخ در من بود. از مراجعم گفتم:

– خوشحالم که ما اینجا روزهای خوبی را برای یادگیری در کنار هم می‌گذرانیم. ایشان تشنه یادگیری هستند. الان هم، اول صبح، آموزش با نوشیدن قهوه همراه است. برای شما هم قهوه بریزم؟

مرد جوان که سراپاگوش بود، لبخندی زد. بالای سرش، در آسمان آبی کابل خورشید می‌درخشید. دلم نور خورشید می‌خواست و گرما.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

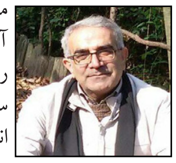
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



پیامی به مردم اوکراین
صدام یا پوتین فرقی نمی‌کند؛

اگر به سرزمین خود ایمان دارید مقاومت کنید

دکتر سعید معدنی



ما و شهیدان ما با تجاوز آشناییم و مزه تلخ جنگ را چشیده‌ایم. درست همان سال‌های نخست پس از انقلاب اسلامی ۵۷، هنوز ما سرخوش پیروزی هستیم و سران مملکت دعوای پست و مقام دارند. عراق به دستور صدام‌حسین از غرب و جنوب به خاک کشور ایران حمله می‌کند.

به واسطه فرار و یا اعدام برخی از سران ارتش توسط انقلابیون، این نیرو – که زمانی قدرتمندترین ارتش خاورمیانه بود – از هم پاشیده است. بقیه رسته‌های نظامی نیز نیم بند هستند و نیروی سازمان‌یافته و مقتدری نداریم.

کشور در حالت آشوب پس از انقلاب است. سازمان‌ها وگروههای مدعی قدرت در پایتخت دعوا می‌کنند و مشغول تقسیم پست‌ها و غنایم انقلاب هستند. درست در همین زمان بی‌ثباتی، صدام به میهن ما تجاوز می‌کند و بخشی از خاک ما را تصرف می‌کند. امیدوار است چند روزه خوزستان را بگیرد و چند هفته بعد به تهران برسد.

اما در همان ساعات و روزهای نخست، گروهی از جوانان حلقه‌های مبارزه تشکیل می‌دهند و فداکارانه مقاومت می‌کنند. اگر چه بسیاری شهید می‌شوند و خرمشهر سقوط می‌کند و آبادان محاصره می‌شود و بخش‌هایی دیگر از سرزمین ما در غرب به تصرف دشمن در می‌آید. اما...

اما همان مقاومت نخست با دست خالی و اندک سلاح به دیگران یاد می‌دهد که تنها راه مقابله با متجاوزی مثل صدام و هر خیره‌سر دیگری مقاومت است. مردم ما در این راه شهیدان بسیاری دادند اما نگذاشتند که وجبی از خاک کشور از دست برود.

اگر واقعاً ایمان دارید که اوکراین کشور و خاک شماست و سهمی از روسیه نیست، مقاومت کنید و تا آخرین قطره خون پایداری کنید. مانند شهیدان و رزمندگان مظلوم ما در غرب و جنوب کشور، و در خرمشهر و آبادان.

یک ملت با دفاع، مقاومت، جانبازی و شهادت در مقابل متجاوز، برای خود تاریخ می‌سازد. و شهیدان و مقاومت کنندگان روزهای نخست جنگ مظلوم‌ترین افراد بوده و الگویی برای پایداری‌های بعدی هستند.

تو دلِ سال پیش رو، یک فستیوال کوچه خوابیده

میانه اسفند ۱۴۰۰ می‌توانست فستیوال موسیقی دیگری باشد در کوچه های بوشهر، اگر اپیدمی نحیف و کم جان شده بود؛ که نشده است.

همه اجزا جهان بوی بهبود می‌داد و ما شبانه روزمان شده بود روشن کردن چراغِ کوچه.

همه جمع شدیم، عمارتَ ها را راست و ریست کردیم، همه چیز شباهت یک دور هم جمع شدنِ نمره یک میداد، که اوضاع – که حالا سه سال است با پرسپکتیو کرونا رسم می شود– نابسامان شد.

این طور به نظر می رسد که این آخرین سال از دورانِ نشدنها، کنسلی ها و ابقای فواصل باشد.

تو دلِ سال پیش رو، یک فستیوال کوچه خوابیده.

انشالله سالم باشیم، و بی تشویش و تردیدِ سلامتی، دوباره دلخوش دور هم جمع بشویم.

جنگ از دولت‌ها و مردن از ملت‌ها

سجاد بهزادی(دانش آموخته دکتری جامه شناسی)



دکتر علی شریعتی در یکی از سخنرانی های خود که «آری اینچنین بود برادر!» نام داشت، جنگ های تاریخ بشر را اینچنین توصیف می کرد: «گاهی ما را به جنگ می‌بردند، جنگ علیه کسانی که نمی‌شناختیم و شمشیر کشیدن به روی کسانی که نسبت به آنها هیچ کینه‌ای نمی‌ورزیدیم و حتی کسانی که همراه و هم طبقه و هم سرنوشت ما بودند. این جنگها–به قول دانشمندی–عبارت بود از جنگ دو گروهی که با هم می‌جنگیدند، بدون این که هم را بشناسند و برای کسانی که با هم نمی‌جنگیدند، اما هم را می‌شناختند.»

مصداق این روایت دکتر شریعتی همچنان زنده است و تاریخ جهان صحنه قدرت نمایی و جنگ وخون ریزی صاحبان قدرت است. در جدیدترین اتفاق تلخی که از این دست تمام جهان را نگران کرده است احتمال حمله روسیه به اکراین است. این جنگ در واقع ؛ جنگ دو ابرقدرت جهان است. از یک طرف ایالات متحده آمریکا و هم پیمانانش و ازسویی دیگر کشور روسیه. کامالا هریس معاون رئیس جمهور آمریکا نیز به تازگی در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ گفته است «احتمال جنگ در اروپا زیاد است.»

همین چند ماه پیش بود که جو بایدن، رئیس جمهوری آمریکا بودجه نظامی ۷۷۰ میلیارد دلاری موسوم به «قانون مجوز دفاع ملی» را برای سال ۲۰۲۲ کشور خود امضا کرد. این بودجه ۲۵ میلیارد دلار بیشتر از بودجه درخواستی بایدن بود و در رای گیری سنای آمریکا ۸۹نماینده دموکرات و جمهوریخواه به این لایحه رای مثبت دادند.

این بودجه معادل نجات و توسعه چندین کشور فقیر و جنگ زده در خاورمیانه و هر جای دیگر این دنیای خاکی ست و با آن می توان رفاه و توسعه اقتصادی، ثبات و امنیت و در نهایت آزادی‌های سیاسی و مدنی را برای بسیاری از کشورهای فقیر جهان نهادینه کرد.

اما قدرت های جهان و دولت های آنها همچنان به جنگ و انواع سلاح های خود می نازند و حتی اقتصاد خود را نیز بر پایه تولید انواع اسلحه برنامه ریزی کرده اند. وال استریت ژورنال به تازگی در مطلبی تحت عنوان «چه کسی در افغانستان برنده شد؟»، نوشت که از تولیدکنندگان بزرگ اسلحه گرفته تا کارآفرینان از جنگ طولانی در افغانستان بیشترین نفع را برده‌اند. در گزارش این روزنامه براساس پروژه هزینه‌های جنگ دانشگاه براون آمده که یک سوم تا نیمی از بودجه (اختصاص یافته به جنگ افغانستان) به پیمانکاران تعلق گرفت و پنج شرکت دفاعی جهان بیش از ۲ تریلیون دلار کاسب شدند.

ملت ها تنها قربانی این جنگ ها وخشونت ها در سراسر عالم هستند. حالا اعلام شده که جمعیت جهان در ابتدای سال ۲۰۲۲ نزدیک به ۸ میلیارد نفر رسیده است. دمکراسی شکننده تر از هر زمان دیگری است و سایه جنگ بر سر ملت ها سنگینی می کند.

اکونومیست هر ساله شاخص دمکراسی در کشورها را بر اساس وضعیت سیستم حکومتی آنها رتبه بندی می کند. در آخرین گزارش منتشر شده، به طور کلی نشان می دهد، دموکراسی در سراسر جهان به پایین ترین سطح خود رسیده است و میانگین امتیاز کشورها کاهش یافته است.کاهشی حتی بزرگتر از میزان ثبت شده بین سال های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰.

بنظر می رسد ملت های زیادی همچنان در اضطراب جنگ و ناآرامی به سر می برند. صلح شان پایدار نیست و اگر هم با تیر وتفنگ با هم نمی جنگند ؛ با فقر ،گرسنگی، نا امنی و سیاست های غلط دولت های خود، در جنگی تمام عیار قرار دارند.کشته هایشان هم دست کمی از جنگ های واقعی ندارد و ملت هایی که با هزاران مصیبت، از سوء تغذیه گرفته تا آسیب های اجتماعی دست به گریبان خواهند بود.



در طول تاریخ و در بسیاری از موارد، ملت ها باید برای دولت ها بجنگند، بی آنکه دولت ها برای این قدرت نمایی خود اذنی ویا رضایتی از ملت ها گرفته باشند.ملت ها را به جنگ می برند، می میرند و فریاد شیون ها، قدرت ها را خیالی نیست. به قول دکتر شریعتی «اگر شکست می‌خوردیم، داغ و دردش را پدران و مادران ما و روستاهای متروک و مزارع خراب ما تحمل می کرد و اگر پیروز می‌شدیم افتخار و قدرت نصیب کسانی دیگر می‌شد و ما هرگز در فخر و غنیمتش سهیم نبودیم.»

از طرفی دولت هایی هم قرار دارند که در جنگ های قدرت ها و برای دفاع از ملت های خود، ناچار می شوند آرایش نظامی به خود بگیرند و ملت هایشان قربانی جنگ های ناخواسته می شوند. هر چه هست گویی جنگ قدرت هابرای همیشه با برخی ملت ها و تمدن ها خواهد ماند و گریزی از آن نیست.

فرزندان ایران، رها شده در میدان جنگ روسیه با اوکراین؟!

یونس قیصی‌زاده: حمله روسیه به اوکراین گرچه نگرانی‌های زیادی را در سطح جهانی و ایران برانگیخته، اما آن چه بیش از همه باعث نگرانی خانواده‌های ایرانی شده، گرفتار شدن چند هزار دانشجوی ایرانی در میان جنگ و خونریزی در اوکراین است.

به نظر می‌رسد که در حالی که در هنگام شدت گرفتن اختلافات روسیه و اوکراین و احتمال بروز جنگ، بسیاری از کشورها خواستار خروج شهروندان خود از اوکراین شدند، دولت ایران به این موضوع اهمیت کافی نداده و اقدامی برای خروج دانشجویان ایرانی از اوکراین نکرد و نتیجه این که هزاران دانشجوی پسر و دختر اکنون و پس از حمله روسیه، بی پناه در میدان جنگ، تنها مانده‌اند.

جنگ و موشک و خمپاره قانونی ندارد و سرباز را از دانشجو تشخیص نمی‌دهد و هر لحظه جان این دانشجویان ایرانی در خطر است. در این شرایط که تصاویر و خبرهای ناخوشایندی از وضعیت و بی‌پناهی این دانشجویان منتشر می‌شود، انتظار است که دولت ایران تمهیدات ویژه و اقدامات فوری و عملی را در این شرایط بحرانی انجام دهد و فرزندان ایران را از میدان نبرد و متروها و پناهگاه‌های اوکراین سریع به کشورهای امن منتقل کند و زمینه بازگشت آنان را به دامان خانواده‌هایشان در کشور عزیز ایران فراهم آورد.

روی نقطه عطف تاریخ ایستاده‌ایم!

دکتر عباس حاتمی



حمله روسها به اوکراین جهان را وارد فصلی جدید کرده است(نقطه عطف). حتی اگر پوتین امروز (ششمین روز جنگ با اوکراین) متوجه اشتباه بزرگ خود شده وآتش بس برقرار شود و روسها تمام خاک اوکراین را تخلیه کنند،آما جهان دیگر تغیر کرده است؛

–جهانیان هیچ اعتمادی به پوتین ندارند، تحریم‌هایی که روسیه را محصور کرده‌اند تا زمانی که پوتین



رئیس جمهور هستند ادامه خواهند یافت و آن کشور ضعیف و ضعیف‌تر خواهد شد، رابطه و اعتماد پوتین به ارتش و ملت روسیه آسیب دیده است، شکاف علمی و تکنولوژیکی روسیه با جهان بیشتر خواهد شد، مطالبات دمکراتیک در ملت روسیه بالا خواهد رفت.

– وابستگی اروپا به نفت و گاز روسیه کمتر خواهد شد.

– کشورهای بی‌طرف (سوئیس، اتریش، سوئد، ژاپن و...) بودجه نظامی خود را افزایش می‌دهند.

– ناتو و اتحادیه اروپا با عضویت اعضای جدید تقویت می‌شوند.

– روابط اروپا و آمریکا مستحکم می‌شود.

– کشورها بیش از گذشته از روسیه دور می‌شوند.

– با توجه به حمایتهای مردمی جهانیان از اوکراین و ائتلاف بین‌المللی برای کمک به اوکراین و نفی تجاوز روسیه، چین برای دخالت در امور تایوان و هنگ کنگ مُذَّب خواهد بود.

–حامیان روسیه بی کلاه می‌مانند.

– مقاومت شجاعانه رئیس جمهور و ملت اوکراین زبانزد جهانیان خواهد بود و صدها تحول که در پی این جنگ خواهند آمد، این روزها را نقطه عطف ساخته‌اند.

تاریخ از امروز به سویی دیگر پیچیده است و چشم اندازی متفاوت فراروی خود خواهد داشت!!!

